



درازکشیده به پشت.

[۳۳]. ورزش باستانی، در زورخانه‌های سنتی ایران، آنقدر حکمت و آداب و ریزه‌کاری رفتاری و معنوی دارد که آدم با دانستن آنها متحیر می‌شود! پیشنهاد می‌کنیم درباره آن بخوانید.

[۳۴]. هر شیعه‌ای که به سن تکلیف می‌رسد، مرجع تقلید جامع‌الشرایطی پیدا می‌کند و احکام فقهی دین را از او تقلید می‌کند.

[۳۵]. بی‌محایا؛ بی‌پاک، بدون ترس و واهمه.

[۳۶]. حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی، زاده ۱۳۱۱، نخستین امام جمعه شهر کرمان بود و چند دوره نماینده مجلس و مجلس خبرگان.

[۳۷]. محمدرضا مشارزاده مهرابی معلمی بود فعال و خوش خلق و محبوب. غلامحسین مشارزاده به منافقین پیوست و عاقبت به شر شد.

[۳۸]. احشایا معاً؛ احشای یعنی اعضای داخلی شکم و سینه؛ قلب، کبد، معده، شش و...

[۳۹]. پودنه همان پونه است در لهجه کرمانی.

[۴۰]. تربیت کردن نان یا تربید یا تیلیت؛ خرد کردن نان داخل غذایی مانند مایع مانند شیر و آبگوشت یا غذایی نیمه‌مایع مانند ماست.

[۴۱]. کولی‌ها (Roma، رُومیتی، گورونی) نژادی اسرارآمیزند که قرن‌ها پیش از هند به ایران و سرزمین‌های دیگر کوچ کردند. عجیب و بی‌خانمان و منزوی زندگی می‌کنند و به گدایی، فال‌گیری، رقاصی، سیاه‌بازی و... مشغول‌اند.

[۴۲]. باطوم یا باتوم یا باتون، میله‌ای است چوبی یا لاستیکی یا فلزی، در دست نیروهای امنیتی، برای کتک زدن.

[۴۳]. نام اکنون خیابان محمدرضاشاه، در شهر کرمان، خیابان طالقانی است.

[۴۴]. متملك یعنی دارا، سرمایه‌دار، مایه‌دار، ملک‌دار.

[۴۵]. خیابان قدس، در شهر کرمان، نام کنونی خیابان کاظمی است.

[۴۶]. احتمالاً نامش حسن توکلی بوده که چند سطر جلوتر، درباره تشییع پیکر مظهرش سخن می‌رود.

[۴۷]. خلع سلاح یعنی گرفتن سلاح و بی‌سلاح کردن شخص.

[۴۸]. قبلاها، خیلی قبل.

[۴۹]. کلت در واقع کلت ام‌۱۹۱۱ آمریکایی یا خشابی در دسته سلاح است. رولور واژه‌ای است فرانسوی به معنای عام هفت‌تیر یا شش‌لول. کلت کم‌کم در معنای همه انواع تپانچه (سلاح کم‌ری) به کار رفت.

[۵۰]. شمالی‌ترین شهر استان کرمان راور (راهور) است که ۱۴۰ کیلومتر با کرمان فاصله دارد. راور شهری در دل کویر است. نزدیک یکی از نقاط بشدت گرم زمین، یعنی منطقه گندم بریان.

[۵۱]. کلت مشقی یعنی سلاح غیرواقعی که با رویت فشنگ در آن می‌ترکد، اما گلوله واقعی در کار نیست.

[۵۲]. باغین از آبادی‌های قدیم نزدیک شهر کرمان است و محل دوراهی جاده یزد به کرمان و یزد به بندرعباس.

[۵۳]. جُولان یا جولان یعنی به رخ کشیدن و عرض اندام و قدرت‌نمایی.

[۵۴]. تیر مشقی همان فشنگ بدون گلوله است که فقط با ترکیبیدن با رویت، هراس شلیک کردن می‌پرکند.

[۵۵]. شهادت، مجال نداد این نوشته به پایان برسد.

مارکسیستی برای براندازی نظام شاهنشاهی کوشیدند، اما با دیدن استقرار حکومت جمهوری اسلامی، در برابر نظام و مردم ایستادند، چریکی و مسلحانه پیش رفتند، خیلی‌ها را ترور کردند و با خیانت‌ها و جنایت‌هایشان به منفورترین سازمان برای ایرانیان تبدیل شدند.

[۱۸]. در همین بین، در این نگاه، همین روزها.

[۱۹]. تب مالت نوعی باکتری عفونی است که از دام و حیوان به انسان منتقل می‌شود، اغلب با مصرف لبنیات غیرپاستوریزه.

[۲۰]. بیمارستان راضیه فیروز نخستین بیمارستان خصوصی کرمان است که هنوز با همین اسم، در خیابان مطهری و نزدیک مسجد امام فعالیت می‌کند.

[۲۱]. مسجد جامع کرمان یا مسجد جامع مظفری، با قدمتی در حدود ۷۵۰ سال، در کنار میدان شهدا (مشتاقیه سابق) واقع است.

[۲۲]. آیت‌الله علی اصغر صالحی کرمانی (۱۲۷۵ تا ۱۳۶۰) خطیب انقلابی و استاد حوزه و احیاءکننده مدرسه علمیه معصومیه کرمان بود. پیکرش در حجره‌ای در صحن و حضرت معصومه (س) آرام گرفته است.

[۲۳]. باتوق جایی است برای جمع شدن و مراجعه بسیار از سر تعلق خاطر.

[۲۴]. حجت‌الاسلام سیدرضا کامیاب (۱۳۲۹ تا ۱۳۶۰) درس خوانده حوزه علمیه مشهد بود و هم‌رزم انقلابی مقام معظم رهبری و شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد. سخنرانی‌های پرشور او در مشهد، کرمان و یزد، در پیشرفت جریان انقلاب مؤثر بود. او یک دوره نماینده مجلس بود و با ترور به شهادت رسید.

[۲۵]. جوپار شهری بیلاقی در بخش مرکزی شهرستان کرمان است، با ۲۵ کیلومتر مسافت از مرکز استان.

[۲۶]. قدیم‌ها پلیس‌ها و مأمورها رأی اخطار یا صدا زدن همکاران خود سوت می‌زدند.

[۲۷]. میل گرفتن؛ برداشتن و چرخاندن دو چوب بزرگ گرزمانند، بالای شانه‌ها و پشت کتف‌ها.

[۲۸]. گیاه زدن؛ بلند کردن و چپ و راست کردن کمانی فلزی و زنجیری، بالای سر.

[۲۹]. لُنگ؛ لباس غالب اهالی زورخانه که پارچه‌ای است نخ‌ی ابریشمی به رنگ قرمز با خط‌های سیاه.

[۳۰]. گود زورخانه؛ میدانی که باستانی‌کاران زورخانه در آن ورزش می‌کنند. گود را پایین‌تر از سطح زمین می‌سازند تا حس فروتنی در پهلوانان، زنده بماند.

[۳۱]. میاندار؛ باسابقه‌ترین پهلوان زورخانه که همه حرکات‌ها و رمزهای ورزش باستانی را می‌داند. او در میانه گود می‌ایستد و گروه را کارگردانی می‌کند.

[۳۲]. سنگ زدن؛ بالا و پایین بردن تخته‌های سنگین و مسطح، در حالت



تظاهرات مردم کرمان